



برهان عقلی برای شناخت تفصیل مقامات ائمه (ع) ناکافی است/ ملاک غلوآمیز بودن گزاره‌ها

نشست تخصصی «غلوپژوهی از منظر قرآن و حدیث» با حضور چهار تن از کارشناسان حوزه حدیث، تاریخ و اندیشه صبح امروز در سالن کنفرانس خبرگزاری ایکننا برگزار شد.

نشست تخصصی «غلوپژوهی از منظر قرآن و حدیث» با حضور چهار تن از کارشناسان حوزه حدیث، تاریخ و اندیشه صبح امروز در سالن کنفرانس خبرگزاری ایکننا برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نشست «غلوپژوهی از منظر قرآن و حدیث» به همت خبرگزاری ایکننا امروز شنبه، 20 دی از ساعت 10 تا 12 با حضور دکتر محمدکاظم رحمتی، استادیار بنیاد دایرةالمعارف، دکتر رضا قربانی، حدیث پژوه و مدرس دانشگاه، دکتر محمدهادی گرامی، پژوهشگر حوزه تاریخ و اندیشه و دکتر فرهاد الله‌وردی، استادیار دانشگاه آزاد در سالن کنفرانس ایکننا برگزار شد.

در ابتدای نشست، الله‌وردی، با اشاره به تقسیم مفهوم غلو به دو بخش غلو در ذات و غلو در صفات، گفت: غلو یک مفهوم سیال و لغزنده است. غلو در ذات از صحبت ما خارج است و موضوع ما محدود به غلو در صفات حضرات معصومین (ع) است. رویکردی که معتقد است که جعل و قرار دادن صفات غیر بشری برای معصومین (ع) نوعی غلو محسوب می‌شود.

وی افزود: در این جلسه به سراغ این می‌رویم که از مجموعه آیات و روایات می‌توانیم به این نتیجه برسیم که قرار دادن صفات فوق بشری با منظور آیات مغایرت دارد یا خیر.

در ادامه قربانی، با بیان اینکه رساله دکترای وی به طور مستقیم به بحث غلو نمی‌پردازد، گفت: اگر بخواهیم در این باره صحبت کنیم، به طور مشخص باید گفت آن چیزی که قطعی است و در بین علما مصداق غلو است، این است که غلو را به دو مقوله باید وارد کنیم؛ غلو در ذات و مفهوم دیگر قائل شدن به نبوت برای حضرات معصومین است. در مورد صفاتی مانند خلق و رزق این ادعا شده است.

وی با طرح این پرسش که صفات فوق بشری به چه معناست، افزود: ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که آیا رسالت، فوق بشری است یا خیر؟ از آن جهت که به بشر اعطا شده، بشری است و از آن جهت که هر بشری آن را ندارد، می‌توان گفت ماورایی است. یا اینکه تکلم با حیوانات یا آگاهی از آینده چگونه صفتی است؟ بسیاری از انبیا به این صفات فوق بشری توصیف شده اند که در قرآن هم آمده است.

قربانی ادامه داد: اگر خارج از بحث کلامی بخواهیم بحث کنیم، چون بحث کلامی لوازم خودش را دارد، آنچه که به عنوان مصداقی در باب غلو بحث شده است این است که آیا روایاتی که در این باره هستند را می‌توانیم اصیل بشماریم یا خیر. آیا می‌توانیم فضایل را استناد بدهیم و آیا به لحاظ منبع و سند روایات معتبر هستند یا خیر. اگر به اینها پاسخ دهیم، به پاسخ مسئله نزدیک شده‌ایم. مدعیان کلامی نسبت به مواردی نظیر اینکه صحبت با پرندگان بالاخره غلو هست یا نه ساکت هستند. بنا بر این گزارش، در ادامه، رحمتی در پاسخ به این سؤال که تصویری که از جایگاه ائمه (ع) بین مردم است تا چه حد برآمده از روایات است، گفت: ظاهراً مبانی اصلی در این پژوهش‌ها، روایت‌هاست و مسئله اصلی در این بحث، نحوه تعامل ما با این نصوص است.

وی افزود: مسئله اصلی، مسئله روش است که با متن چگونه وارد گفت‌وگو شوید و آن را چگونه بفهمید. در 4 قرن اول هجری، تقریباً حجم مطالعات اندک است و دانشجویان ناچارند که وارد منابع این حوزه شوند. یکپارچگی که ما تصور می‌کنیم در حوزه تدوین وجود نداشته است. تألیف کتاب کافی در قم از سوی علما با مشکل مواجه شد. به همین دلیل، کلینی قم را ترک می‌کند و به بغداد می‌رود. وقتی شیخ صدوق از کتاب کلینی نقل روایت می‌کند، سند را ارائه نمی‌دهد و از این طریق روایتی نسبتاً مجهول ارائه می‌دهد.

پیش‌نیاز توضیح درباره غلو پژوهی

رحمتی عنوان کرد: مشایخ اصلی قم نسبت به کتاب کافی موضع داشتند. اطلاعات ما از این جریان‌ها و مکاتب خیلی کم است. ما در مورد تدوین دفاتر روایت، نقشی که شاگردان در تنظیم دفاتر داشتند، نقش مشایخ اصلی روایت و ... اطلاعات ناقصی داریم. به نظر نمی‌آید که ابن ابی عمر و جبیر بین زیاد راوی صرف باشند، بلکه با متن تعاملی داشته‌اند. در سه قرن اول هجری که روند تدوین شکل می‌گیرد، از این زاویه که این اطلاعات را نداریم، یک مقدار پژوهش سخت است. این مسئله پیش‌نیاز توضیح درباره غلوپژوهی است. کلینی بخشی از روایت‌هایی که محل بحث بوده است را در کتاب خودش روایت کرده است.

وی افزود: مسئله قمی‌ها با کلینی بر ملاحظات آن‌ها به دفاتر حدیثی برمی‌گردد که به میراث واقفیه خیلی حساس بودند. منظور میراثی است که از طریق عالمان واقفی انتقال پیدا کرده است. نوع برخورد مشایخ قم و عراق از دفتر حدیثی داوود بن سلیمان متفاوت است. همین‌طور در دفتر حدیثی یونس بن عبدالرحمن، این نوع ملاحظات مبتنی بر یکسری سنت‌های گسترده است. تا

زمانی که تکلیف را با این مجموعه از این حیث روشن نکنیم، نمی‌توان پاسخ روشنی به پرسش‌ها در باب غلو داد. در مجموع باید گفت که نظریه علمای ابرار نظریه ثابتی نبوده است.

نیاز به نگاه مؤلفه‌ای در رابطه با غلو داریم

در ادامه، دکتر گرامی، در رابطه با برخورد جریان‌ها و مکاتب فکری بر مقوله غلو، گفت: در بررسی مسئله غلو از لحاظ آکادمیک بیشتر نگاه و دغدغه تاریخی مطرح است. کتابی که در چند سال اخیر منتشر شد، کتابی است تألیف مدرسی با عنوان «مکتب در فرآیند تکامل» که در ارتباط با آن کتابی نوشتم که در دو محور اصلی بود. وقتی به غلو نگاه می‌کنیم، نیاز به نگاه مؤلفه‌ای داریم که در مورد برخی موضوعات به‌طور مشخص گفت‌وگو کنیم. در این میان من در پژوهش خود بحث‌های تفویض، علم امام، عصمت و عوامل پیشین را انتخاب کردم.

وی افزود: در جریان هشام کلبی گفته شد که به خاطر عقل‌گرایی در انزوا بودند؛ در حالی که به هیچ وجه صحبتی از عقل‌گرایی نیست. اتهاماتی مطرح بوده که عقایدشان با جریان امامیه مخالف بوده است. به نظر می‌آید عقاید ما، عقاید یک جریان اقلیتی در دوره متأخر امامیه که غلات بودند است که به اکثریت تبدیل شده‌اند. چیزی که من به آن رسیدم، این بود که در دوره متأخر امامیه که عقایدشان با ما متفاوت بوده، اقلیت‌ها در انزوا قرار داشته‌اند.

بنابر این گزارش، دکتر قربانی با بیان اینکه مستقل از اینکه خاستگاه ما چه باشد، پیش فرضی مطرح است، گفت: اگر کسی خواست انبوه روایاتی که وجود دارد را غیر اصیل و دستخوش تغییر بداند، این کافی نیست که ما خاستگاه را نشان دهیم، زیرا این به تنهایی کفایت نمی‌کند. پژوهش من تبیین چگونگی جاگرفتن روایات غیر اصیل در بین مباحث حدیثی است.

سنت حدیثی شیعه تلفیقی از سنت شفاهی و مکتوب است

وی افزود: اگر به تاریخ حدیث شیعه و اهل سنت دقت کنیم، به ما اجازه نمی‌دهد که بخش بزرگی از نوشته‌ها را غیراصیل بشماریم. البته امکان دارد کسی شواهد کلامی و تاریخی ارائه کند که البته آن‌ها باید بررسی شود. سنت حدیثی شیعه تلفیقی از سنت شفاهی و مکتوب بوده و ثمره قابل اعتنایی از آن‌ها می‌توان جست و آشفته بازاری از نسخه‌ها نبوده که به تناوب در دسترس ما قرار بگیرد. در عین حال، باید گفت که در میراث مکتوب، یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها دسّ است، یعنی تغییراتی در کتب حدیث ایجاد شود و حذف و اضافاتی در آن وارد شود.

قربانی با طرح این سؤال که آیا مستقل از خاستگاه‌های نظری، لازم نیست مبانی تاریخی، کلامی و .. را در نظر بگیریم؟ گفت: هیچ کدام مستقل نیست. نمی‌توان تنها با یک دیدگاه مثلاً تاریخی نظریه‌پردازی کنیم. این‌ها در هم تنیده است. کار تاریخی غیر از کلامی است و ...، اما همه بر هم تأثیر و تأثر دارند.

در ادامه رحمتی، در مورد مکاتب حدیثی گفت: روایت‌ها بخشی از تاریخ متن هستند. وقتی اسناد را بررسی می‌کنیم، امکان یک نوع دسته‌بندی را می‌بینیم. مثلاً کافی را اگر مورد بررسی قرار دهید، روایت‌ها را از طیف خاصی از اصحاب می‌بینید. آن چیزی که برای من مسئله است، روش است که بدانیم حدیث‌ها به کدام برمی‌گردد. در تلقی اصحاب یک باورهای بوده است که هرکدام پیشینه‌ای داشته‌اند. این باورها آدم را رها نمی‌کند، اینها را می‌توانیم رویشان کارهای دیگری هم انجام بدهیم. حتی متن‌هایی که در اختیار ما هستند، اگر به فهرست شیخ طوسی و نجاشی مراجعه کنید، می‌بینید که آن‌ها از متن‌هایی که الان در اختیار ما هستند، اطلاع داشته‌اند.

وی افزود: فهرست نجاشی، فهرست عام‌تری است و نکاتی را در آن می‌بینید که در فهرست شیخ طوسی است. متن‌ها خارج از منظومه فکری آن‌ها نبوده است. اما شاید مورد تأییدشان نبوده است. روش‌ها و دیدگاه‌های منظم و دقیق در مورد متون وجود داشته است، اما به معنای اصالت متون نیست، بلکه به معنی انعکاس تصورات است. میراثی که داریم، میراثی است که اصحاب ائمه (ع) منتقل کرده‌اند، ائمه (ع) معصوم بودند، اما اصحاب ائمه (ع)، معصوم نبودند.

قربانی در ادامه اظهار کرد: چیزی که مبهم است این است که سلسله سندی را که در کافی می‌بینیم، اصالتش را باور کنیم یا خیر؟ این چیزی است که الان مورد تشکیک واقع شده است. در مورد فضایل ائمه (ع)، باید در مورد فضایل خاص صحبت کنیم که من در پژوهش خود نصب الهی، علم موهبتی و کرامات را مورد بررسی قرار داده‌ام.

استدلال هشام بر امامت ملهم از معصوم است اما عین روایت نیست

وی اظهار کرد: اینکه باورهای انسان در نقل اثر می‌گذارد، قابل انکار نیست، اما بین نقل روایت و فتوا تفاوت است و مخلوط کردن آن خلط معناست. نقل، گزارش و نظر را نباید با هم یکی بدانیم. مثلاً استدلال هشام بر امامت خیلی منطقی است. ملهم از معصوم است، اما عین روایت نیست.

در ادامه گرامی، با اشاره به رساله قربانی در این رابطه گفت: ایشان تتبعات خیلی خاصی داشتند. برداشتم از رساله دکتری ایشان این است که در واقع تصویری از ساختار انتقال حدیث شیعه بر اساس شواهد ترسیم می‌کنند و مثال‌های نقض را بررسی می‌کنند. در این مورد که ساختار حدیث شیعه قابل اعتماد است به شدت نیاز به کار دارد. سؤال این است که این‌ها در قرن دو و سه مفهوم اعتباریشان به چه شکل بوده است؟

وی افزود: این بحث نیاز به یک پژوهش گسترده‌ای دارد و رساله دکتری بنده هم این است. شواهدی که داشتیم در شرایط موجود کافی نیست که بگوییم به‌طور عام قابل اعتماد بوده است. نکته بعدی اینکه زمینه‌های تاریخی، گفتمانی و جریانی مورد غفلت قرار گرفته است. اگر به پژوهش‌های جریانی مراجعه می‌کردند، آنجا چندین ادله که چرا راویان متهم به غلو شده‌اند، آمده است. برخی منابع شاید لازم بود که مورد بررسی قرار گیرد. در بحث معصوم بودن که کدیور ادعایی در مورد جریان قم دارد،

بررسی کردم و نشان دادم که تفاوتی نداشته‌اند. در فصل 6، در موضوع مهم در رابطه با خوارق عادت، بهتر بود بحث تفویض مطرح می‌شد. احادیثی که نفی تفویض می‌کنند، با این قدرت‌ها تعارض دارند.

در ادامه، قربانی با بیان اینکه مکتوب بودن را در این رساله پیش‌فرض گرفتیم، اظهار کرد: شواهد مستقلى که داریم، بسیار اندک است، به‌ویژه از قرن دو که تنها سه شاهد را توانستم پیدا کنم. در قرن سوم شواهد فزونی می‌گیرد و در قرن 4 به وفور پیدا می‌شود؛ لذا سعی کردم از کتب فهرست استفاده کنم. در طرح گسترده‌ای اگر بخواهیم کار کنیم باید بر مباحثی ورود کنیم مثل اینکه ابزارها چه بوده و ...

وی افزود: بحث محوری مقاله، بحث اصل و جعل است. کثیری از اصحاب اجماع در این دسته از روایات جای می‌گیرند. یکی از پیش‌فرض‌های مهم، فضای انتقال حدیث شیعه بوده است که پاسخ به آن‌ها خیلی تأثیرگذار است. سعی شده به حداقل‌ها اکتفا شود. در بحث کرامات به حداقل اکتفا کرده‌ایم و وارد بحث تفویض نشدیم. اگر کسی ادعا کند که قائل شدن به هرگونه کراماتی مساوی مفهوم تفویض است، در آن صورت لازم بود وارد آن بحث شویم، محدود به این معنا که انتقال احادیث شیعه، اصیل بوده است.

بنا بر این گزارش، رحمتی در پاسخ به اینکه در مورد معناشناسی احادیث چه ملاحظاتی مد نظرتان است، گفت: وقتی اسناد را بررسی می‌کنیم، چیزی که مشخص می‌شود، برجسته بودن یک جریان نسبت به جریانی دیگر است. در این رساله دکتري بر منصوص بودن ائمه(ع) صحبت شده که این مسئله، مسئله‌ای بدیهی است. مسئله اینکه امام بعدی را چگونه بشناسند، این مسئله مهم بوده است.

وی افزود: منظوم این است که چه مسائلی را می‌توانیم بررسی کنیم و چه آفاقی را می‌توان گسترده. در بهره‌گیری از تمام این کارها می‌توانیم به پژوهش‌های روشن‌تری برسیم.

انکار علم امامان با روایات سازگاری ندارد

در ادامه قربانی، در پاسخ به این پرسش که نظرتان در مورد گزارش‌های رقیب چیست؟ اظهار کرد: تئوری‌هایی داده می‌شود که هدفش نقض نصب الهی است. این رساله در مورد تبیین آفاق علمی اهل بیت(ع) نیست. مدعای این رساله این است که روایات متفاوتی از نحله‌های مختلف و طیف‌های مختلف جامعه شیعی داریم که شاید حداقلی را بتواند نشان دهد. اینکه کسی بخواهد علم امامان را انکار کند با روایات سازگاری ندارد. در محدوده علم امام بین ناقلان حدیث تفاوت هست. در مورد اصل وقوع کرامات نیز همین مسئله است. بحث‌های گسترده‌ای دارد و حداقلش این است که عموم شیعیان و اصحاب ائمه(ع) با این قضیه مشکل نداشته‌اند.

وی اظهار کرد: در دیدگاه علمای ابرار، نصب الهی امام مورد تردید قرار می‌گیرد. علم امام هم علم بشری تلقی می‌شود. مسئله بعدی عصمت است و بحث کرامات هم به طور طبیعی از بحث ایشان خارج می‌شود. در کتاب مدرسی، نصب الهی کاملاً مورد تأکید است. باید دانست که ملزومات نظریه‌پردازی و تأثیری که بر تاریخ حدیث می‌گذارند چیست. هر نظریه‌پردازی لازم است به ملزومات سخن خود توجه کند.

مباحث کلامی در بحث غلو به نوعی ناکافی است

بنا بر این گزارش، گرامی، در ادامه عنوان کرد: اختلاف نظر در دوره متأخر امامیه وجود داشته است، اما دوره یکپارچه‌ای را نمی‌توان در نظر گرفت. مباحث کلامی در بحث غلو به نوعی ناکافی است و در این بحث باید به بحث‌های تاریخی و حدیثی ورود پیدا کنیم.

در ادامه قربانی در پاسخ به این سؤال که جایگاه قرآن در رابطه با تصفیه اقوال غلوآمیز چیست؟ گفت: در پژوهشی که داشتم، سعی کردم بحث‌های قرآنی را مطرح کنم. از دیدگاه قرآن، پیامبران مثل دیگران بودند و این گزاره مهمی است. در گفتمان قرآن می‌بینیم که صفات بشری پیامبران را در برابر کسانی مطرح می‌کند که مخالف بودند و بحث دائر مدار این قصه است. در رساله این‌ها بحث شده و سعی شده که نشان داده شود.

وی افزود: تفصیل مقامات ائمه(ع) را نه برهان عقلی رد می‌کند و نه مخالفتی با قرآن دارد و بحث آخر این است که این‌ها اصیل است یا نه. آیا خاستگاه قرآنی دارد؟ اینها درجات مختلف بحث است و به نظر می‌آید که می‌توان از این گزاره‌ها دفاع کرد. ملاک را باید این بگذاریم که ائمه(ع)، خودشان گفته‌اند یا نگفته‌اند. هر مطالعه دینی مطلقاً نمی‌تواند دور از جایگاه قرآن و فهم آن باشد.

قربانی اظهار کرد: در مورد اینکه چه فازی را قرآنی بدانیم یا ندانیم، باید دقت کنیم. مثلاً در مورد یدالله و اینکه خداوند دست دارد یا اینکه بگوییم در قرآن، خدا یک موجود بشری بوده و خدایی که تصور می‌شده، خدایی نزدیک به بشر بوده است، باید دید که دیدگاه ما درباره صفات خدا به همین شکل است یا نه؟ در قرآن از جسم داشتن خداوند صحبت می‌شود، برخلاف خدایی که متکلمان برای ما ساختند. عین این قصه در عصمت انبیاست که بحث‌های طولانی در مورد آن شده است.

وی گفت: در نوع برداشتمان از قرآن و اینکه چه چیزی را قرآنی بدانیم یا ندانیم، خیلی باید توجه داشته باشیم. فضای شیعی در فهم قرآن با تفسیری که امروز داریم، تفاوت‌هایی داشته‌اند.